

ارواح جزیه و کان حکماء الزمان اختبروا فرعون ان هلاکة و هلاکة
ارواح جزیه و بود فرعون آن زمان جزو اهل فرعون را که بدستیکه بکشد و چون
بکون علی بلدی مولود بولد و ذلک الزمان نام فرعون بقبل کل من
خویشند برودت بر که ذلک زود در آن زمان پس امر کرد فرعون بکشند هر که
من او یاد بنی اسرائیل حدرا عما قضی الله و قدر ولم یعلم ان لا مرد
از او بود بنی اسرائیل برای خدا را بیکه نظر کرده است الله تقدیر کرده و قدرت آنست در
ولا معقب الحکمة فكان ذلك سببا لاجتماع تلك الارواح في العلماء
درست معقب هر که از اهل بود آن سبب برای اجتماع آن ارواح در عالم آن
و انضمامها الى روح موسى وعدم تفرقا و انبثاقها عنه بالعلق
و سبب انضمام آن بوی روح موسی و سبب عدم تفرق آن و برکنده شدن آنها از روح موسی
البدنی و الاغناس في عالم الطبيعة فيقوى بهم واجتمعت فيه
بدنی و فزودن در عالم طبیعیه پس فوت داده شد با جمع شدن در
خواصهم و اعتضد بقواهم و کان کل ذلك اختصاصا من الله لموسى
خاص ایشان و اعتضاد کرد بقوای ایشان بود هر یک آن اختصاص از الله برای موسی
و تأیید ابا ملامد اذ بتلك الارواح كاملة اذ بالارواح السماوية
و تأیید امداد او بجمیع موسی با ارواح سماویه آن ارواح مانند امداد او
فلما تعلق الروح الموسی ببدنه تعاضدت تلك الارواح كالارواح
پس هر که تعلق کرد روح موسی ببدن او فوت دادند آن ارواح مانند ارواح
السماوية في امداده بالقوة والضرورة و مرت اليه حیونهم و الى ذلك
سماویه در امداد او بقوت و ضرورت و مرت کرد بوی او حیوانین و بوی



اشار الشيخ رضي الله عنه بقوله مرت اليه اي الى موسى عليه السلام
ایش را زود شیخ رضي الله عنه بقول خود که مرت کرد بوی او ای بوی موسی علیه السلام
حيوة كل من قتله فرعون وقومه من ابناء بني اسرائيل من اجله اي
حیات هر که قتل کرد او را فرعون و قوم او از اهل بنی اسرائیل از برای او ای
من اجل موسى يعنى لاداة قتله فانهم ما قتلوا احدا من هؤلاء الا بنا
از برای موسی یعنی برای ادا کردن قتل موسی پس بر سبب فرعونان قتل کردند و اهل ادا کردن
الها على قوم انه موسى او المراد انهم قتلوا كل واحد منهم من اجل موسى
مگر بر قوم آنکه بر سبب او موسی است با هر که بدستیکه فرعونان قتل کردند هر که از اهل بنی اسرائیل
لن يأتد بروحاً ينعم ونسرى اليه حیونهم كان قتلهم في الحقيقة
نمانند کرده بود موسی بروحانیت آن پس هر که بدستیکه فرعونان قتل کردند در حقیقت هر که
عليه السلام وان لم يكن لفرعون وقومه شعور بذلك ولما كانت
عبد السلام در کمال بود زود فرعون و قوم او را شعور با آن هر که کمال بود
حيونهم سارية اليه فصاره اي فراموسى عليه السلام من فرعون
حیات ایشان ساری بوی موسی پس امداد او بجمیع موسی علیه السلام از فرعون
وقومه لما خاف منهم ان يقتلوا انما كان لا يباء حيوة المقتولين
و قوم او هر که کمال یافتند از ایشان آنکه قتل کردند آنرا او را اینست که بود اهل ادا کردن قتل
في ضمير حيوة لا يباء حيوة فحسب فكانه فرسفتة و حرمته
در ضمیر حیات موسی بر بانی دینش موسی پس پس هر که کمال موسی زاد کرد بر اوست
في حق الغير الذي هو هؤلاء الابناء المقتولون فاعطاه الله سبحانه
در حق غیریکه آن غیر آن پس امداد او بجمیع موسی علیه السلام از فرعونان

Copyrighted by University